



آمریکایی‌ها

هالیوود فقط سینماهای کشورهای عقب مانده را تیشه نکرده است. در کشورهای صنعتی اروپا، خاور دور، و آمریکا شمالی نیز غولهای فیلمسازی آمریکا ریشه عمیقی دوانده‌اند و هر روز که می‌گذرد دامنه هجوم خود را بهتر توسعه می‌دهند. در گزارشی که اخیراً "بیرامون حضور فرهنگی آمریکا در کانادا و آلمان غربی انتشار یافته، نفوذ همه‌جانبه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی آمریکا با آمار و ارقام ثابت شده است. طی سال ۱۹۸۴ در کانادا ۴۰۵ میلیون دلار بلیت فروخته شد که دست کم ۸۰ درصد آن به محصولات کیمانی‌های فیلمسازی آمریکا تعلق داشت و از کل درآمد فروش و اجاره فیلمهای ویدئو، ۱۰۵ میلیون دلار به جیب آمریکا‌ها رفت. در همان حال کانادایی‌ها با خرید برنامه‌های تلویزیونی آمریکا ۱۲۵ میلیون دلار پرداختند.

در آلمان غربی از نیمه سال ۱۹۸۰ تا اواخر ۱۹۸۲، مجموعاً ۷۹ فیلم پر فروش روی پرده آمد که ۴۰ تای آنها آمریکایی بود و تنها ۱۴ فیلم را خود آلمانی‌ها ساخته بودند. از میان فیلمهای آمریکایی، پاپیون گلستایه، رابین هود، آریستوکرات‌ها و جنگ ستارها (نوکس) روی هم رفته هشت میلیون و شصت و هفتاد و سه هزار نهمصد و پنجاه و یک تاناکار داشتند.

نفوذ فیلمهای آمریکایی در کشورهای دیگر، پیاده‌های فرهنگی هشدار دهنده‌ای دارد و تفکر آمریکایی بر زندگی خصوصی و اجتماعی تماشگران تأثیر می‌گذارد. در این میان، سوسی‌ها، فیلمی با مقابله با این‌گونه تأثیرات نامطلوب، برای آمریکایی "کلاس ۸۴" را که لیزبر از ولنگاری نسل یوچگرای بانک است، توفیق کرده‌اند. به عقیده یلپین زوریخ، محتوای این فیلم با ماده ۴ مقررات نمایش فیلم در این ایالت تضاد دارد. ماده ۴، نمایش فیلمهای را ممنوع می‌کند که: "وحتیگری از روح این مذهب، جنایت یا خلافتاری را تشویق می‌کند، و با نظر تحقیر به مردم یا گروهی از مردم می‌تابد."

با این همه، آمریکاها در این مورد کاملاً نتوانسته‌اند. نوار ویدئوی کلاس در ۸۴ در سراسر سوسی آزادانه فروشی می‌رود و مقامهای ایالت‌های مختلف این کشور هنوز نتوانسته‌اند تصمیم مناسبی برای مقابله با آن بگیرند.

زندگی شیرین برای سینمای ایتالیا

در دوران شکوه و جلال چینه چینا، سینما گراتی مانند دسکا، آنتونیونی، فلیتی، و ویسکونتی، فیلمهایی می‌ساختند که اکثراً از نظر هنری و تجاری موفق بودند. در آن روزها، هر سال به‌طور متوسط ۲۵۰ فیلم تهیه می‌شد و تهیه‌کنندگان دست و دل باز برای شکار بازیگران پولساز از ریخت و پاش مفاهیقه نداشتند. اما در چند سال گذشته، صنعت فیلم ایتالیا به سراسیمه افتاده و در هر سال بیشتر از ۸۰ تا ۱۰۰ فیلم تولید شده است. تعداد انگشت شمری از این فیلمها، که عموماً کمترین سرمایه و با هزار و یک اشکال ساخته شده‌اند، به خارج از ایتالیا راه یافته‌اند؛ و بسیاری از آنها حتی نتوانسته‌اند خرج خود را بپردازند.

شاید لایحه مالیاتی جدیدی که دولت به مجلس برده است، بتواند این تصویر دل‌سرد کننده را تغییر دهد. انتظار می‌رود که اساز برای نخستین بار، تهیه‌کنندگان آلبانیایی پرداخت مالیات معاف شوند و با خیال آلبانیایی دست به جیب بپرند. جزئیات این لایحه هنوز اعلام نشده است، اما تصویب آن قطعی به نظر می‌رسد. فلورستانو وانجینی، که آخرین ساخته او "تام تک لیوان گرم" بزودی روی پرده می‌آید، می‌گوید: "اگر می‌خواهم فیلمهای بهتری بسازم، باید بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری تشویق کنم. قانون مالیات و مالیات - همانطور که در استرالیا، انگلستان و آلمان شاهد بوده‌ایم - مقدار زیادی پول وارد این صنعت می‌کند و تولید فیلم را از هر لحاظ افزایش می‌دهد. در بیست سال گذشته، درآمد گیشه‌ها از بابت فروش فیلم تا دو سوم کاهش پیدا کرده است. تلویزیون تماشگران ما را گرفت و در مقابل چیز بسیار کمی به ما داد."

فرانلرو دی‌جامو، نظریه‌پرداز و منتقد سرشناس، از زاویه دیگری به مسئله نگاه می‌کند. او لایحه معافیت مالیاتی را موافقت می‌داند، اما شک دارد که دوا می‌تواند ایتالیا باشد: "این بحران بیشتر فرهنگی است تا اقتصادی. به نظر من، فیلمسازان ما حتی برای گفتن ندرند. بیست سالی می‌شود که حرفی برای احترام به افکار عمومی، به بی‌مورد هفتاد ساله اجازه استفاده مجدد از بازجهاش را داد و به ایتالیایی ناواقفان، زیرا مانند خود جامعه ما بوک و ممتوحی‌اند."

یکی از گرفتارهای سینمای ایتالیا، رشد کانال‌های تلویزیونی خصوصی است که اکثراً برنامه‌های تولید نمی‌کنند و صرفاً شوها، سریال و فیلمهای سینمایی دوبله شده آمریکا را نشان می‌دهند. روز بروز هم به‌تعداد فیلمهای سینمایی، و تماشاگران - این شبکه‌ها افزوده می‌شود. برای نمونه، در یک روز تعطیل یکشنبه، شش شبکه تلویزیونی رم مجموعاً ۱۰۰ برنامه سینمایی پخش کردند! این مشکل هم بدون راه حل نیست. وانجینی می‌گوید: "دولت قصد دارد تعداد این کانال‌ها را کم کند و جلو فعالیت‌های

بوشالی را بگیرد. در عین حال، کانال پنج که بزرگترین و بهترین شبکه تلویزیونی خصوصی است، اعلام کرده که اساز هفت فیلم سینمایی می‌سازد."

ظاهراً برای سینمای ایتالیا، زندگی طعم شیرین خود را بازیافته است.



یکه‌سوار، کلاه و نقاب خود را پس می‌گیرد

دوستداران قدیمی سینما حتماً کلیتن مور را در فیلمهای سریال یکه سوار بیاد دارند - ششولر بند چالاکتی که مانند زروو نقاب می‌برد و عرصه را بر بدجهس‌ها تنگ می‌کند. این چاک یک سوار بی‌باک، با افول فیلمهای سریال در سینما، به برده کوچک تلویزیون نقل مکان کرد و یکی از دلجوئی‌هایش این بود که گاه و بیگاه با کلاه و نقاب مخصوص خود در میان مردم ظاهر می‌شد. اما پنج سال پیش، کیمانی رادر با بدست آوردن امتیاز بهره‌برداری انحصاری از یکسوار، مور را طبق قانون کپی‌رایت، ممنوع - الکلاد و ممنوع‌النگار کرد و به او دستور داد که حق ندارد در مجامع عمومی با علامت مشخصه یکسوار - کلاه سفید و نقاب سیاه - آفتابی شود! قصد رادر این بود که با تولید سری جدید یکسوار، نقش اصلی را به بازیگر جوانی بدهد و تصویر مور را از خاطره‌ها بوی کند. یکسوار به حکم قانون گردن نهد، اما او با نشت و پس از چند سال دوندگی موفق شد یک میلیون امعاء برای ایوماری جمع کند که در آن تقاضا شده بود کلاه و نقاب یکسوار را به پس بدهند. ماه گذشته، کیمانی رادر برای احترام به افکار عمومی، به بی‌مورد هفتاد ساله اجازه استفاده مجدد از بازجهاش را داد و به ایتالیایی ناواقفان، زیرا مانند خود جامعه ما بوک و ممتوحی‌اند.

یکی از گرفتارهای سینمای ایتالیا، رشد کانال‌های تلویزیونی خصوصی است که اکثراً برنامه‌های تولید نمی‌کنند و صرفاً شوها، سریال و فیلمهای سینمایی دوبله شده آمریکا را نشان می‌دهند. روز بروز هم به‌تعداد فیلمهای سینمایی، و تماشاگران - این شبکه‌ها افزوده می‌شود. برای نمونه، در یک روز تعطیل یکشنبه، شش شبکه تلویزیونی رم مجموعاً ۱۰۰ برنامه سینمایی پخش کردند! این مشکل هم بدون راه حل نیست. وانجینی می‌گوید: "دولت قصد دارد تعداد این کانال‌ها را کم کند و جلو فعالیت‌های



خبر با فیلمهای ارزشمند چین تا حد زیادی محدود تلاش‌های آرشو فیلم چین و کانون‌های سینمایی اروپاست. آرشو فیلم چین، که در جریان انقلاب فرهنگی تعطیل شد، چهار سال پیش فعالیت خود را از سر گرفت و اخیراً با برپا کردن برنامه‌های روز بروز آثار در داخل و خارج چین، امکان دیدن بسیاری از فیلمهای برنامه پاکستانی عناصر سرمایه‌داری توقیف شدند. فراهم آورده است. تماشای این فیلمها نشان می‌دهد که صنعت فیلم چین در سالهای پس و چهل میلادی، آثار سنگین و برجستهای بسجود آورد و به پرزاترین دوران عمر خود رسید. در این سالها، گروهی از کارگردانهای بااستعداد تئاتری را که از فیلمسازان بزرگ هالیوود گرفته بودند با مایه‌های محلی در - آمیختند و آثار ارزنده‌ای پدید آوردند (یکی از یادگاریهای زنده این دوره طلایی، سون‌بو است که از او به‌عنوان ترکیبی از اشترنبرگ و راتول والش یاد کرده‌اند.)

تعدادی از بهترین فیلمهای پس از جنگ جهانی دوم - که توسط فیلمسازانی مانند لوپان، یاشی چن، و گزی جین ساخته شدند - با طنز و کنایه کاغذ بازی، تفکر خشک حزبی و کیش شخصیت را به باد حمله می‌گیرند. این کارگردانها در هجوم کاردهای سرخ به تعارض بین ضد انقلابی‌های جسارت خود را پرداختند و خانه نشین شدند. تسلط زیبایی شناسی و اقتگرایی سوسیالیستی بر سینمای چین در دوره پس از انقلاب ۱۹۴۹، فیلمسازی را در این کشور به یکجانبه بینی و کلیت‌سازای کشاند. فیلمهای دهه پنجاه - که چند تایی از آنها نیز از تلویزیون ایران پخش شده است - عرصه شخصیت‌های تک‌بعدی، بی‌پروزی‌های پر طلق بر سر طلق، و شعاری‌ها اغراق‌آمیز است. حال آنکه بیسکوماتان سینمای چین (به‌عنوان سون‌بو) در سالهای سی و چهل، با واقفویی طریقتی و اقصیت ایستد که صنعت فیلم چین فقط در بدست‌آوردنی از تعمیر تراکتور یا بالربین‌های سرنیزه بدست خلاصه نمی‌شود و تاریخ سینمای این سرزمین - به ویژه قبل از انقلاب - فیلمهای با تابانگی دارد که مدتها در غبار تصعب سیاسی هم‌تراز درخشان آن ایام را ندارد (به‌همان گونه که

هالیوود امروز از یافتن کارگردانهای نظیر برستون استورجن و هوراد هاگز ناتوان است.) اما شانه‌های دیده می‌شود که سینماگران با دست و اندیشه‌ی بازتری به آفریدن آثار خود مشغولند و دیگر از آنها خواسته نمی‌شود که صرفاً درباره سعادت و خوشی و بی‌شرفی و افزایش تولید کفش و چغندر قند فیلم سازند. در متن این تحول است که زمینه مناسبی برای طرح واقعیت‌های دستکاری نشده، خلق شخصیت‌های قابل لمس، و تجربه‌روزی در شیوه بیان، به‌تدریج شکل می‌گیرد.

سرق‌ت تصویر

تکتسر غیرمجاز فیلمهای ویدئو در سراسر جهان، سالانه یک میلیارد دلار به هالیوود ضرر می‌رساند و پایبخت سینمایی جهان هر ساله شش میلیون دلار برای جلوگیری از سرق‌ت فیلمهای خود خرج می‌کند. ماه پیش، کیمانی‌های پارامونت و یونیسورال پانصد هزار دلار دیگر به برنامه مبارزه با سرق‌ت ویدئویی اختصاصی دادند و به‌گفته آرتور بارون، یکی از طراحان علمیات مقابله با سارقان، این رقم با توسعه مبارزه افزایش خواهد یافت. او می‌گوید که برای طرف شدن با سارقان از شیوه‌های مختلفی استفاده خواهند کرد. در جاهایی که جوب قانون بر قدرت است، از پلیس و دادگاه کمک می‌گیرند و در کشورهایی که از قانون کاری ساخته نیست، با سارقان کنار می‌آیند؛ به این نحو که در بازار مورد نظر به سارقان کم‌توقع امتیاز بخش فیلمهای خود را می‌دهند و سرخ‌تها را در کل منافع شریک می‌کنند! با این همه، مهم‌ترین مسئله قبل از هر چیز، پیدا کردن سارقان و دعوت آنها به همکاری است. بارون معتقد است که سرق‌ت تصویر، به تکتسر غیرقانونی فیلمها محدود نمی‌شود و دنیای صنعتی بزودی شاهد شکل مبارزادیری از زدوی خواهد بود: سرق‌ت تصاویر ماهواره‌ای تلویزیون‌های کابلی. به‌نظر او آسیب‌پذیری آمریکا در این مورد کمتر است، زیرا نحوه ویدئو در این کشور کمتر از تلویزیون کابلی نیست. اما در اروپا، مسئله فرق می‌کند و شمار کسانی که قرار است در آینده بزرگی از تلویزیون‌های کابلی استفاده کنند، رقم بسیار بالایی را تشکیل می‌دهد. طبیعی‌ست که اخلاط در این بازار، لطمه شدیدی به کیمانی‌های تلویزیونی کابلی وارد می‌کند. سارقان حرفه‌ای با آماجور می‌توانند با استفاده از آنتن‌های قابل‌همای و اقتگرایی سوسیالیستی بر سینمای چین در دوره پس از انقلاب ۱۹۴۹، فیلمسازی را در این کشور به یکجانبه بینی و کلیت‌سازای کشاند. فیلمهای دهه پنجاه - که چند تایی از آنها نیز از تلویزیون ایران پخش شده است - عرصه شخصیت‌های تک‌بعدی، بی‌پروزی‌های پر طلق بر سر طلق، و شعاری‌ها اغراق‌آمیز است. حال آنکه بیسکوماتان سینمای چین (به‌عنوان سون‌بو) در سالهای سی و چهل، با واقفویی طریقتی و اقصیت ایستد که صنعت فیلم چین فقط در بدست‌آوردنی از تعمیر تراکتور یا بالربین‌های سرنیزه بدست خلاصه نمی‌شود و تاریخ سینمای این سرزمین - به ویژه قبل از انقلاب - فیلمهای با تابانگی دارد که مدتها در غبار تصعب سیاسی هم‌تراز درخشان آن ایام را ندارد (به‌همان گونه که

از برکت وجود (ئی‌تی)!

جندی پیش در این صفحه گفتیم که چگونه جانور مهربان فیلم ئی‌تی کار و بار یک شیرینی فروشی آمریکایی را سه کرد. ظاهراً هفتنامه‌ی معروف تایم هم به برکت این سریال سینمایی، که طی یکی دو سال اخیر دل‌های بسیاری را تسخیر کرده، پی برده است. تایم در یک تبلیغ دو سئونی برای اثبات امتیازات و شایستگی‌اش از ئی‌تی و خالق آن سئین سیلبرگ، کمک می‌گیرد و می‌گوید خود را در شهرت آنها سهیم کند. از آگاهی تایم آمده است که:

"او قلب یک کودک را دارد. در درون ئی‌تی، احساسات یک پسر بچه هفت‌هفته است. این پسر بچه ۳۴ ساله، سئین سیلبرگ کارگردان است. مجله‌ی تایم برای تشریح حساسیت ویژه مردی که می‌تواند با کودک درون ما رابطه برقرار کند نگاهی دقیق به این نایقه فیلمسازی افکند. هر هفته تایم به شما چیزی بیشتر از خبر و اطلاعات عرضه می‌کند..."

پیش از نیم قرن است که دست در کاران سینما برای تبلیغ کارهای خود به تعریف و تمجید مطبوعات استادی می‌کنند، اما در این یک مورد، گویا رابطه معکوس شده و کلمه است کسب اعتبار، دست به دامان تصویر شده است. ج-ن



Here's a child at home. In this movie-making genre to explore the special sensibility of a teen who can read the child in all of us. Week after week, TIME gives you more than an introduction. It brings insight and understanding to subjects that matter to you.